

دروود به صفر قهرمانی کهن ترین زندانی سیاسی جهان!

مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

روزنامه های ایران اطلاع دادند که علاوه بر «ژیون خدمتگزاران بشر» که شاه سناتور رسول پرویزی را متصلی آن کرده بود، از کثرت «علاقه» ی رژیم دیکتاتوری به «حقوق بشر» اخیراً باز سازمان دیگری تحت ریاست سناتور عماد تربیتی و با عنوان «کمیته پارلمانی دفاع از حقوق بشر» بشرکت سناتور ها و وکلاء مجلس در ۲۹ دیماه سال جاری تشکیل گردیده است. در نطق فریادی و چاکرانه ای که

رژیم دیکتاتوری ایران در جامه مدافع حقوق بشر!

امر است. یعنی اگر ۲۵۰۰ سال پیش کوروش تنها یک دفعه اعلامیه حقوق بشر صادر کرده در عصر ما «شاهدنامه» یک بند اعلامیه حقوق بشر صادر میکنند و تمام فرامین و دستورات معظم له خود برهان و دلیلی بر همین مدعاست. پس از این جملات «مقدم» در باره شاهی که خود یکی از خون آشامترین دیکتاتورهای جهان امروزی است جناب سناتور (و بیخود هم که مردم سناتور نمی شوند) مطالب مهمتری میفرمایند: «برای اولین بار در جهان مبارزه با بیسوادی بوسیله

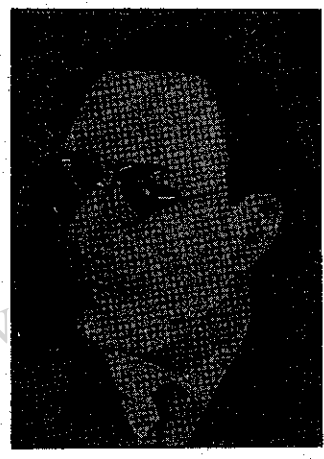
عماد تربیتی رئیس کمیته نامبرده در جلسه ستا ایراد داشت، از جمله این بیانات جالب توجه است: «مناسب میدانم یادآور شوم که دو هزار و پانصد سال است اعلامیه حقوق بشر (۱) بوسیله کوروش کبیر صادر شده و این بزرگترین افتخاری است که فقط نصیب ملت ایران شده و در جهان هیچ ملتی دارای چنین افتخاری نیست. پس از این کشف مشتمع تاریخی که کوروش در ۲۵۰۰ سال پیش «اعلامیه حقوق بشر» صادر کرده جناب سناتور افزود: «ما در عصری زندگی میکنیم که شاهدشاهمان بزرگترین خادم عالم بشریت بشمار میروند و تمام فرامین و دستورات معظم له مؤید این

افتخار بر شهیدان!

آغاز نمود، که فاشیسم در قلب اروپا بحکومت رسیده بود و در میهن ما ایران تمام روزنه های تنفس آزاد بروی مردم مسدود بود. نه تنها دفاع از منافع طبقه کارگر جرم نا بخشودنی بشمار میآمد بلکه رضاشاه مستبد از لفظ «کارگر» و همه مقوله های اجتماعی -

۱۴ بهمن سال ۱۳۱۸، دکتر تقی ارانی، یکارچووملر کسبیت اندیشمند، در پی توطئه ای خان شهربانی رضا شاه، بمنظور قتل او ترتیب داد، به بیماری تیفوس در زندان در گذشت. وی ارانی ایمان بی تزلزل او به جهان بینی کسبیت - لنینیسم و یقین قطعی اش به رسالت رگر در ایجاد جامعه نوین قلیغ از ستم شی بود، که به یاران همزمان وشاگردانش ارانی هنگامی به ترویج مارکسیسم در ایران

تندیس بیاد خسرو روزبه کار هنرمند ایرانی رضا اولیا



سیاسی همپیوند با آن وحشت مرگ داشت. ارانی از اینکه در چنین شرایط دهشت باری پرچم دفاع از منافع طبقه کارگر را برافرازد، کمترین هراسی بدل راه نداد. هر چند ارانی در این راه گرامی ترین عطیه طبیعت یعنی جان خود را باخت، اما بردرستی با او بود. زیرا طی کمتر از دو سال بنی پوشالی دیکتاتوری رضا شاه فروپاشی و سحنان او در حد گاه ۵۳ نفر در محکومیت دیکتاتوری و در دفاع از حقوق زحمتکشان که لای پرونده های شهربانی رضا شاه خاک میخورد به یکباره نیروی حیاتی یافت، سینه بسینه گشت و بر پرچم مبارزه خائلی ایران نقش بست. با سقوط رضا شاه حماسه نا تمام مبارزه ارانی را صد ها هزار نفر از زحمتکشان میهنش با پیگیری ادامه دادند و در تاریخ مبارزات مردم ایران نمونه های درخشان پیکار جوشی و پایاداری و قهرمانی آفرینند.

ما در روز شهادت ارانی از همه شهیدان حزب توده ایران یاد میکنیم که سیمای شجاعشان یاد آور نبرد های خونین در دورانهای مختلف حیات میهن ما میان انقلاب و ضد انقلاب، میان مردم از یکسو و ارتجاع و امپریالیسم از سوی دیگر بوده است: از شهیدان فاجه ملانژرمان آبادان، اصفهان در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵، شهیدان قیام خراسان در سال ۱۳۲۴، شهیدان جنبش آذربایجان و کردستان، آن زنان و مردان دلیری که بگناه دفاع از حقوق خائلی ایران در سال ۱۳۲۵ بدست جلدان شاه قتل عام شدند، شهیدان کشتار ۲۳ تیر ۱۳۳۰، شهیدان تظاهرات خونین بابل و لنگرود در در سال ۱۳۳۱، کشتار ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تهران، شهیدان ۱۶ آذر دانشگاه تهران، شهیدان دلیر سازمان افسری حزب توده ایران در سالهای ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴، مبارزان شهیدی چون وارطان سلاخیان و کوچک شوشتری که در شکنجه گاهها لب بستند و جان باختند، شهید قهرمان خسرو روزبه که با نصب مجسمه یاد بوش در ایالتیالیا، بیش از پیش درجهان به مظهر پایداری خائلی ایران در برابر رژیم دیکتاتوری شاه بدل گشته است، شهیدان دلاوری چون حسن رزمی و محمد حسین معصوم

زندگی و کار معدنچیان ذغال

در کرمان

(نامه ای از ایرات)

دوستان عزیز! این گزارش است از معادن استخراج ذغال سنگ کرمان. استخراج را شرکتی بنام «شرکت سهامی خاص ذغال سنگ کرمان» انجام میدهند و تمام محصول استخراجی را به ذوب آهن اصفهان میفرشند و همچنین تمام کارمندان و کارگران مشغول بکار در استخراج ذوب آهن هستند. این معادن در حدود یک ساعت راه ماشین رو اطراف شهرستان دزرنه کرمان قرار دارند و نامهای آنها عبارت است از: «باب نیو»، «پاندانا»، «هچندک»، «اشکله». در این معادن در حدود ۱۵ هزار نفر کارگر در سه شیفت کار میکنند (رقم تقریبی است) که عده ای از آنها در شهر دزرنه زندگی میکنند ولی اکثر آنها از دهات اطراف این معادن تا شعاع ۵۰ کیلومتری هستند که بیشتر بوسیله موتورسیکلت به سرکار خود میآیند و مجبورند دو ساعت قبل از شروع کار از منازل خود حرکت کنند. سی گرویم، منازل، ولی بهتر است بگوییم بیغوله هاشانات، یعنی اتاقک هایی که در دل کوه درست کرده اند. این کارگران از نظر مدرک تحصیلی و پایه شغلی چند دسته هستند. یکی کارگران دهات اطراف که احتمالاً دوره کلاس درس خوانده اند و در دفاع از حقوق زحمتکشان که لای چهل متری زیر زمین داخل یک سوراخ (کار میکنند و سخت ترین کار را اینان دارند و حقوقشان بر حسب تعداد کلاس ها و سابقه کار (برای هشت ساعت تمام بدون وقت غذا خوردن و ۴ تا ۵ ساعت زمان رفت و آمد) از روزی ۳۰ تا ۶۰ تومان در نوسان است. (۶۰ تومان برای کسی که حدود ده سال سابقه کار دارد). دسته دوم کسانی که تا کلاس سوم دبیرستان خوانده اند و در آموزشگاه معین ذوب آهن یک دوره ۹ ماهه دیده اند. اینها معمولاً سر کارگر هستند و حقوقشان با چهار تا پنج سال سابقه کار حدود ۲۵۰۰ تومان در ماه است. برخی از همین ها مدتی درشوروی دوره دیده اند و در مقایسه با وضع کنونی خود از آنجا خارها های مثبتی دارند. این گروه دوم آگاه ترین کارگران هستند و با وجود حقوق نسبتاً خوبی که میگیرند، نراضی هستند. به حقوق کارگران چیزی باسم سود ویژه یا سود ذغال اضافه میشود که به هر تن ذغال که کارگاه بیشتر از ۷۰ تن در روز استخراج کند تعلق میگیرد. البته مبلغ آن زیاد است ولی کارگران میکنند که به آنها در حدود سالی ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان میرسد. بطور کلی حقوق پایه ای کارگران را بسیار پائین نگاه می دارند. مثلاً حقوق کارگری که روزی ۵۰۰ تومان مزد میگیرد روزی ۲۵۰ تومان است و بقیه را بعنوان اضافه کار و شب کاری و غیره به آن اضافه میکنند تا هر وقت خواستند بتوانند آن را کسر کنند و یا اگر قرار شد رسمی شوند (تحتالیا هیچکس رسمی نشده) پایه حقوق آنها کم باشد. گروه بعضی دیپلومه ها و فوق دیپلومه ها هستند که

لنین

لنین! خاموش شد شع شع نگاهش ولی قلبش طپد در پیکر خلق به پیش ساخت آرامگاهش پیا پیگر: صفا صف لشکر خلق

لنین برخاست از غوغای تاریخ چو تیروستد و بی همتا دلاور فرخت ظلم را تا بر کند بیخ بت زرنه را تا بکند سر

همای بخت انسان پر شکسته لنین آن را نشاط و خرم داد در گنج سعادت بود بسته کلیدش وی بدست آدمی داد

شید از پیش این وخشور بینا دم جان بخش آکتر مین را وزین طوفان معظم ساخت طالع یکی خورشید کاربند زمین را

چو نتش بیستون بر قلب ایران بود نام لنین جلودان، حک تلاش خلق ایران ضد دشمن نباشد لحظه ای زین نام منک

باید بر سر اورنگ تاریخ باید در فزون رنج این نام بپایند بر سر امواج جنبش ز گوهر هست بر چون گنج این نام

پاسخ کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام به پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کمیته مرکزی حزب توده ایران
دقایقی عزیز!

از پیام شاد باش آن رفقا به چهارمین کنگره حزب کمونیست ویت نام صمیمانه سپاسگزاریم. ما این پیام را مظهر همبستگی رزمجویانه و تشویقی بزرگ برای حزب و خلق خود میشمریم که در راه اجراء قطعنامه های کنگره و ایجاد کابینا به یک ویتنام صلح جو مستقل، متحد و سوسیالیستی کوشاست. درود های کمونیستی ما را بپذیرید. کمیته مرکزی حزب کمونیست ویت نام

زندگی و کار معدنیان

فقط بر کارگران نظارت میکنند. مهندسان و زمین شناسان هم که پشت میز می نشینند و امضا میکنند و ماهی یکی دو بار به کارگاهها سر میزنند. بطور کلی امور اینجا را کارشناس های شوروی میگردانند. تعداد آنها در منطقه «باب نیرو» حدود سی نفر است؛ شدیداً کار میکنند و بکارشان سخت علاقه نشان میدهند و بهمین سبب هم روابطشان با مهندسان پشت میز نشین ایرانی زیاد خوب نیست ولی در عوض با کارگران روابط آنها خوب است. شعار آنها اینست: اول ایمنی برای کارگر بعد کار. کارگران میگفتند: «اگر اینها نباشند ما روزی صد تا کشته می دهیم». ساواک تماس گرفت با آنها را در غیر از امور مربوط به کار برای ایرانیان قفسن کرده است. کارگران همیشه با مرگ روبرو هستند و هر آن ممکنست کارگاه ریزش کند یا آتش سوزی ایجاد شود یا در چاه بیفتند یا خطرات بسیار دیگر. معمولاً ماهی یکی دو کشته و زخمی میدهند. وضع بهداشت بسیار خراب است و فقط یک درمانگاه جنب اداره هست که غالباً نه دوا دارد و نه دکتر و بیماران را از سر باز میکنند. کارگری زمستان بچه بیمارشان را از ده که از آن پیاده تا درمانگاه راه زیادی است، در میان برف و بوران لای پتو پیچیده و آورد ولی دکتر بدون آنکه حتی به بچه نگاه کند از روی پتو باو نسخه داد. غالباً به بیماران هر مرضی که داشته باشند، یکی دو تافرص اسپیرین میدهند و رشان میکنند. کارگران میگفتند ما شنیده ایم در معادن شوروی ماهی یکبار تمام کارگران را اجباراً ماینه میکنند ولی بشیرلی از کارگران دو سال بود که ریه هایشان مرض بود، کسی به دادشان نرسید. بطور کلی اکثر کارگران این معادن ریه هایشان خراب است؛ زیرا در تمام طول کار با گرد و غبار ذغال و خاک سر و کار دارند و فقط یک لوله از بیرون به کارگاه هوا میرسانند. زندگی این کارگران در دهات رنگ و بوی تازه ای به ده داده است و چیزهایی در این دهات هست که در جاهای دیگر کمتر پیدا میشود. مثلاً تلویزیون در خانه ها بدون آنکه از رفاه متشبس با آن برخوردار باشند، کدسرو، موتورسیکلت و غیره. بعضی از خانواده های کارگری هنوز قطعه زمین کوچکی دارند که زن و بچه های خانواده در آن کار میکنند. یا خانواده هایی که چند تائی گاو و گوسفند و یا باغ کوچکی در جنب خانه دارند. ولی رفتار این کارگران که تا چند سال قبل دهقان بوده اند، کاملاً از یک دهقان متمایز است. در رفتارشان عنصر آگاهی و زرنگی بخصوصی دیده میشود. آنها دیگر بکلی نلیخته از نظر زندگی شهری نیستند. بطور کلی بسوی تبدیل شدن به آن کسی که پروتار - بمعنی اخص آن - نامیده میشود پیش میروند.

افتخار بر شهیدان

زاده که برای مبارزه حزبی با بران اعزام شدند و بدست مأموران ساواک سر به نیست گردیدند، شهیدان نامدار حکمت جو و تیزبای و صد ها شهید بی نام و نشانی که طی ۳۵ سال خیات پر ماجرای حزب توده ایران خونشان سنگفرش خیابانهای میهن ما را رنگین ساخته است. طومار شهیدان بنام و گمنام حزب ما دلالت گر آرث نبرد خونینی است که ۳۵ سال است میان حزب ما بمقابله حزب پشاهاننگ طبقه کارگر، علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه و امپریالیسم پشتیبان آن ادامه دارد و تا پیروزی قطعی زحمتکشای ایران ادامه خواهد یافت. بر تارک شهیدان حزب توده ایران این افتخار ایمنی میرسد که در راه صحیح مبارزه بشهادت رسیدند، جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم، زاپا کیزهنگاه داشتند، چراغ راه مبارزه ساختند، و تا پایان بدان وفادار ماندند. باید راه آنان را ادامه داد، باید برای پیروزی آرمانهای مبارزه کرد. مرگ شکوهمند شهیدان حزب توده ایران که سیراب از سرچشمه ایمانشان به مردم وبه نظام عادلانه سوسیالیسم بود، به چنان نیروی پر جاذبه معنوی بدل شد که با وجود ترور و اختناق حاکم، در جنب نسل جوان میهن ما به مبارزه علیه سیهاکاری رژیم شاه و برای ایجاد دگرسانی عمیق در جامعه، نقش ارزنده ای ایفا کرده است. در روز شهیدان از همه شهیدان جنبش ضد ارتجاعی و ضد استعماری میهن مان یاد میکنیم: زنان و مردانی که بگناه مبارزه علیه رژیم جنایت بیسه شاه و امپریالیسم غارتگر یا در تظلمهای ساواک کشته و یا تسلیم چوبه تیر بران شدند. اینها فرستار از شیوه مبارزاتشان نیز نمونه های تحسین انگیز رشادت و بیداری ارائه کردند. از مبارزان دلاوری مانند خسرو گیسری و امثال او یاد میکنیم که حماسه تسلیم ناپذیری شان در برابر رژیم، آنانرا به نمونه های بیداری نسل جوان بدل کرده است. پنجاه سال سلطنت خود کامه خاندان پهلوی خونهای پاک بسنار برخاک ریخته است. روا نیست که این خونها با ادامه پراکندگی نیروهای ضد رژیم هنر رود. گام نخست برای به سلطنت رساندن آرمانهای والائی که شایسته ترین فرزندان میهن ما در راه آن شهید شدند، یگانگی نیرو هست. یگانگی همه نیرو های ضد رژیم جابر موجود، برای سرنگونی دیکتاتوری شاه.

میو

رژیم دیکتاتوری ایران

شاهنشاه رثوف ما اعلام شده و نیز منع استعمال سلاح اتمی در خاور میانه از اقدامات درخشان شاهانه است، که البته ما از وقوع حادثه اخیر که در خاور میانه بر اثر اقدامات درخشان شاه ایران استعمال سلاح اتمی منع شده خبر نداشتیم ولی از تلاش حریصانه شاه برای ایجاد وابستگی تازه ای از جهت انرژی اتمی به جهان سرمایه داری بیژره پس از بیانات اخیر اکبر اعتماد اطلاعاتی کسب کرده بودیم. اما هدف این کمیته پارلمانی دفاع از حقوق بشر چیست؟ به بیانات جناب ستاور آنست که: «به دیدنیهای عالم بشریت. عقب ماندگیهای ملل ضعیف رسیدگی کنیم، و کمی مشخصتر: متأسفانه بعضیها بخودشان حق این جسارت را داده بودند که راجع به آموزی که اطلاع ندارند درباره آن اظهار نظر کنند... از تملق های تهوع آور که بگیریم، از این جمله آقای رئیس کمیته نوبیاد روشن میشود که در هفته های اخیر برای مقابله با جلسه ای که قرار است در شهر لاهه در زمینه دفاع از حقوق بشر انجام گیرد، بدانها دست زده است: اظهارات کتبی و شفاهی در راديو و تلویزیون علیه «سازمان عفو بین المللی» و دیگر سازمانهای بین المللی، انتشار مطالبی در باره سازمانهای اپوزیسیون درشهرهای متعدد جرایده گیهان، و «اطلاعات» اعتراض به دولت هلند در مورد تشکیل جلسه مورد بحث اعلام در جرایده که درایران دیگری

روزنامه ایزوستیا در باره ایران

ایزوستیا میگوید: ایران و دیگر رژیمهای ارتجاعی منطقه خلیج فارس تحت عنوان واهی خطر کمونیسم ارتشهای این منطقه را بمباریالیسم وابسته کرده اند. روزنامه ایزوستیا زیر عنوان «جنون بلوکسازي» در تاریخ ۹ فوریه ۱۹۷۷ تفسیری منتشر ساخته که خلاصه ای از آنرا به نظر خوانندگان میرسانیم: در این تفسیر ضمن بررسی سیاست نظامیگری و فتنی ایالات متحده امریکا در منطقه خلیج فارس و ناحیه اقیانوس هند خاطر نشان شده است از آغاز سالهای هفتاد ایالات متحده امریکا برنامه وسیع صدور تسلیحات به منطقه خلیج فارس را بر مرحله اجراء گذارد. طی چهار سال اخیر ایران متجاوز از ۱۵ میلیارد دلار اسلحه و تجهیزات نظامی خریداری کرده است. به تئیده کارشناسان نظامی عالی رتبه امریکائی فروش تسلیحات ملین امریکائی باین مقیاس گسترده به کشور های این منطقه از یکسو اضافه هزینه ها ایفا که امریکا فرقیال بالارفتن بهای نفت میبرد از جبران میکند و از سوی دیگر با اعزام دهها هزار مستشار و کار شناس نظامی که همراه تسلیحات به کشور های منطقه خلیج فارس اعزام میشوند، ارتشهای کشور های تحت خیز را عملاً به ایالات متحده امریکا وابسته میسازد. بنا به اظهار نظر «واشنگتن پست» هدف سیاست امریکا در این منطقه آنستکه «رژیمهای دوست» مانند ایران، عربستان سعودی و عمان را با تمام تجهیزات نظامی لازم مجهز کند تا آنها بتوانند قاع و امنیت خود را بدون بمیان کشیدن مستقیم پای ایالات متحده امریکا به این امور تأمین سازند. در تفسیر گفته میشود محافل ورژیمهای ارتجاعی پاره ای از کشور های منطقه خلیج فارس برای توجیه مخدانه خارجی در امور داخلی این کشور ها و پرده پوشی خصیلت واقعی پیوندهای خود بادل امپریالیستی شعار مبتذل و کهنه شده خطر واهی کمونیسم را بمیان میکنند.

رفیق ۱۲۳

۳۰۰۰ مارک آلمان فدرال کمک شد رسید - بسیار متشکریم.

رفیق ۸۹۴۶

۱۲۰ دلار کمک شما بحزب رسید متشکریم.

رفیق رامسری

مبلغ ۱۰۰ لیره کمک شما بحزب رسید متشکریم.

رفیق ۱۳۹۵

۱۱۰۰ مارک آلمان فدرال کمک شما بحزب رسید بسیار متشکریم.

رفیق ۴۹۸

۱۲۰ دلار کمک شما بحزب رسید متشکریم.

کمکهای رسیده

از رفا: شماره ۲۷ ۱۰۰ مارک آلمان شماره ۶۵ ۲۸ شماره ۶۰ ۲۸ پسر ۵۵ هلال ۱۵۰ ح. بستگان ۳۵۴ از همه رفا صمیمانه سپاسگزاریم.

آگهی

برای اطلاع خواستاران جلد دوم کتاب «سرمایه» جزوه اول جلد دوم «سرمایه» (کاپیتال) جزوه دوم جلد دوم این کتاب بزودی خواهد شد.

دقت!

ترجمه فارسی کتاب «لنین در مقابله با ترسک» از چاپ خارج شد. این کتاب که جزو سلسله انتشارات «از گ اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم» است، مجموعاً از خلاصه مقالات «نامه ها و سخنرانیهای لنین» پیوندد با مبارزه علیه نظریات و اندیشه های انحراف مارکسیستی، ضد انقلابی و ماجراجویانه ترسکم دوران طولانی سالهای ۱۹۰۳ - ۱۹۲۳ در پرده ما معالنه این اثر گرانبها را به همه رزمندگان و انقلابی توده ای توصیه میکنیم.

سیطره ساواک و دادگاههای فرسته نظامی، سایه و آور شکنجه گاهها و زندانهای گوناگون، سه نظامیگری و تسلیحاتی عنوان گشته، کج فاش ما پایه پرستش و خدا سازی از شاه، سیستم جناب دستوری و مطبوعات و تبلیغات دستوری تحت سانس غیره و غیره حکمرواست، میتواند حقوق انسانیهای و ساده تراعات گردد؟ پنهان کردن واقعیت پاد مهیب نقض حقوق بشری و پامال کردن روح و انسانها در زیر چنگله های خشن قلندری در ایران عیبی است. این طشتی است که دیگر مدتهاست پام افتاده است. ستاور غماد تربتی هر رسیدگی، میخواهند بفرومایند، اما این قسمت را مدتهاست ایران و افکار عمومی جهان مورد رسیدگی دقیق داده و داوری قطعی و نهائی خود را نیز صادر کرده

شکنجه اعمال نمیشود (چیزیکه خود اعترافی است بر وجود شکنجه) ، مانسور آزاد کردن عده ای زندانیان با اطلاع «نادم»، اظهارات اخیر شاه و وزیر خارجه اش خلعت بری در باره این مسائل، همه و همه اشکال مختلف واکش مضطربانه رژیم در برابر تشکیل یک جلسه اشنائی است. طبق سرشت «موضی» و پر از عقده های که رژیم بکرات از خود نشان داده و میدهد، یکی از این واکنشها باین صورت در آمده است: آقا، این چه حرفی است که ما حقوق بشر را مرعات نمیکیم. حالا ما از ۲۵۰۰ سال پیش خودمان مبتکرش بودیم. حالا هم ساعتی نمیگذرد که در باره حقوق بشر امریه ای صادر نشود. بفلاوه «شاهنشاهان» اولاً رثوف است، ثانیاً برای اولین بار در جهان با بیسواری مبارزه کرده است. بفلاوه اصلانما چه میفرمایند خودتان مگر حقوق بشر را نقض نمیکند؟ اصلاً ما باید بکار شما رسیدگی کنیم و شمارا بخاطر جسارتی که کرده اید گوشمالی بدهیم... این اسلوب دائمی رژیم است که دائماً با پر روئی و شارلاتانیزم و شعیده بازی میخواهد بدیهیات را منکر شود و چیزی هم ظلمکار گردد. زمانی خود شاه گفته بود که ما سند اعلامیه حقوق بشر، را فقط امضاء کرده ایم و بقیه امور را طبق قوانین و شرایط کشور خودمان انجام میدهم (یعنی کماکان به نقض آن اعلامیه مشغولیم). آیا در کشوری که در آن بهره کشی و حشیانه امپریالیستیها و عمال داخلی آن